

نکات مهم درس ششم

اُزْدِيَّة : اردو	حَضَارَة : تمدن	كُفُو : همتا
أَشَارَ : اشاره کرد (مضارع : يُشِيرُ / مصدر : أَشَارَة)	دُكْتَوْرَاه : دکترا فَخْرِيَّة : افتخاری	لا : بر سر فعل مضارع به معنای (نباید)
أَطْعَمَ : خوراک داد مضارع : يَطْعِمُ مصدر : إِطْعَام	شَكَّلَ : تشکیل داد مضارع : يُشَكِّلُ / امر : شَكِّلْ مصدر : تَشْكِيل	لَمْ : حرف نفی
إِنْجِلِيزِيَّة : انگلیسی		مُحَاصِرَة : سخنرانی
		مَدَّ : کشیدن ، گسترش
أَلْقَى : انداخت (مضارع : يُلْقِي / مصدر : إلقاء)	شَهَادَة : مدرک	مُسْتَشْرِق : خاورشناس
	صَمَدٌ : بی نیاز	مُعْجَبَةٌ بِـ : شیفته (اَعْجَبَ ، يُعْجِبُ)
كَانَتْ تُلْقِي مُحَاضِرَةً : سخنرانی می کرد	عَدَّ : به شمار آورد، شمرَد (مضارع : يَعُدُّ)	مُقَابَلَة : مصاحبه
	فَرَنْسِيَّة : فرانسوی	مُنْدٌ : از هنگام
أَنْقَرَة : آنکارا	قَارَبَ : نزدیک شد	وَلَدَ : زایید
أَوْصَى : سفارش کرد (مضارع : يَوْصِي)	ثَقَائِي : فرهنگی (ثَقَافَة : فرهنگ)	جَوَع : گرسنگی
حَصَلَ عَلَى : به دست آورد (مضارع : يَحْصُلُ / امر : أَحْصِلْ / مصدر : حُصُول)	(مضارع : يُقَارِبُ / مصدر : مِقَارَبَة) (ما يُقَارِبُ : نزدیک به)	أَسْلَمَ : اسلام آورد (مضارع : يُسْلِمُ / امر : أَسْلِمْ / مصدر : إِسْلَام)
	(مضارع : يَلِدُ / مصدر : وَلَادَة)	آمَنَ : ایمان آورد ، ایمن کرد (مضارع : يُؤْمِنُ)
رَحْلَة : کوچ	جَامِعَة : دانشگاه	إِيْلَاف : همدلی کردن
بِكُلِّ طَلَاقَةٍ : در نهایت روانی ، با تمام شیوایی		



۱۸۹. «الأمم المتحدة هي مكانٌ للحوار بين الحضارات» عين الصحيح:
۱. كشورها
 ۲. فرهنگها
 ۳. تمدنها
 ۴. ۴.
۱۹۰. «أ تريدُ مني أن أجرى مُقابَلَةً معكِ الآن؟ عفوًا ما عندي وقتٌ لذلك» عين الصحيح:
۱. مذاكره
 ۲. گفتگو
 ۳. مواجهه
 ۴. مصاحبه
۱۹۱. «أنا لَمْ ألقِ الأحجارَ إلى زجاج جيراننا لأني أعرفُ أن هذا العملَ سيئٌ جدًّا» عين المناسب:
۱. نمی اندازم
 ۲. نخواهم انداخت
 ۳. نینداختم
 ۴. نمی انداختم
۱۹۲. «يجوزُ قبولُ درجةٍ أو شهادةٍ فخريةٍ من الجامعات في جميع البلدان» عين المناسب:
۱. افتخار آمیز
 ۲. فخر فروش
 ۳. مفتخرانه
 ۴. افتخاری
۱۹۳. «أنشأنا مركزاً ثقافياً يحتوي على مكتبة عامة و جميعُ الناس يستفيدون منها» عين المناسب:
۱. علمی
 ۲. اجتماعی
 ۳. فرهنگی
 ۴. هنری
۱۹۴. «أشارَ هذا العالمُ إلى أهميّة المساواة بين الرّجل و المرأة مرّات كثيرة» عين المناسب:
۱. تأکید کرد
 ۲. اشاره کرد
 ۳. مشورت کرد
 ۴. شور کرد
۱۹۵. «لا يُمكنني التّعاونُ معكِ إذا لم تَكُن مُعجِباً بأعمالی» عين الصحيح:
۱. دوستدار
 ۲. تعجب کننده
 ۳. شگفت آور
 ۴. شيفته
۱۹۶. «أحد أستاذةِ جامعتنا ألقى مُحاضرةً في بعض جامعاتِ بلادنا على الصعيدين الوطني و الدولي» عين المناسب:
۱. صحبت کرد
 ۲. سخنرانی کرد
 ۳. خطاب قرار داد
 ۴. حاضر شد
۱۹۷. عین مجموعة فيها كلمة لا تناسب الأخرى:
۱. القِطْ - البَطْ - الحِرباء - الذَّنْب
 ۲. الأسبوع - الشَّهر - اليوم - العام
 ۳. الأردية - الفخرية - الفرنسية - الإنجليزية
 ۴. الدَّولة - البَلَد - المدينة - القرية
۱۹۸. عین عبارة جاء فيها المتضادان:
۱. « قُلْ لم تُؤمنوا ولكن قولوا أسلمنا »
 ۲. الثقافة قِيمٌ مشتركةٌ بينَ جماعةٍ من النَّاسِ!
 ۳. أَمَرَنِي رَبِّي بِمَدَاراةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِإِدَاءِ الْفَرَائِضِ! ۴. « عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَ عَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ »
۱۹۹. عین الخطأ للفراغ:
۱. أنا..... الهيش في الشرق. (أُحِبُّ)
 ۲. كانت شيمل محاضراتٍ باللُّغةِ الفارسيّةِ! (تُؤَلِّفُ)
 ۳. شيمل في إحدى مقابلاتها إلى الأدعية الإسلامية! (تُشِيرُ) ۴. لـ..... فريق كرة القدم في مدرستى! (أَشْكُلُ)
۲۰۰. « المسلمون أغلب سكان العالم و يُحسبُ الإسلامُ أكثر الأديان انتشاراً في العالم.» عين الفعل المناسب:
۱. يرتبطُ
 ۲. يقاربُ
 ۳. يُشكِّلُ
 ۴. يَعدُّ
۲۰۱. « اللُّغةُ الانجليزية من أكثر اللُّغاتِ العالمِ شهرةً» عين غير المناسب لتكميل الفراغ:
۱. تُحسبُ
 ۲. تُعدُّ
 ۳. تُعَبَّرُ
 ۴. تُعلَّمُ



ادوات جزم فعل مضارع دو دسته اند:

- الف) ادوات جزم یک فعل مضارع:**
- لَمْ : لَمْ يَنْصُرْ
 - لَمَّا : لَمَّا يَذْهَبُوا
 - لای نهی (در مقدمه بحث شد) : لَا تَذْهَبُوا
 - لام امر غایب (در مقدمه بحث شد) : لِيَذْهَبْ

ب) ادوات جزم دو فعل مضارع : ادات شرط (إِنْ ، مَنْ ، مَا)

مضارع مجزوم به لَمْ (و لَمَّا) : (فعل جحد)

هرگاه فعل مضارع بعد از حرف لَمْ و یا لَمَّا واقع شود مجزوم می شود یعنی :

لَمْ یا لَمَّا + فعل مضارع : - ُ - َ - ِ (۱ ، ۴ ، ۷ ، ۱۳ ، ۱۴)
 - نونها از آخر حذف
 - صیغه ۶ و ۱۲ بدون تغییر

مثال: يَذْهَبُ لَمْ يَذْهَبْ / يَجْلِسَانِ لَمَّا يَجْلِسَا

● نکات :

- ۱) فعل مضارع با (لَمْ) گاهی به ماضی ساده منفی و گاهی به ماضی نقلی منفی ترجمه می شود ولی فعل مضارع با (لَمَّا) فقط به ماضی نقلی منفی ترجمه می شود . (همراه با هنوز)

مثال : لَمْ يَذْهَبْ (نرفت) یا (نرفته است) - لَمَّا يَذْهَبْ (هنوز نرفته است)

- ۲) حرف (لَمْ) بر سر فعل ماضی نمی آید ولی (لَمَّا) بر سر فعل ماضی می آید و در آن صورت اسم



است و معنی (زمانیکه - هنگامیکه) می دهد
مجزوم نشود ، لَمَّا بازهم میتواند معنی زمانیکه بدهد .

لَمَّا جَاءَ ذَهَبْتُ : زمانیکه او آمد من رفتم .

لَمَّا يَدْخُلُ أَبِي الْبَيْتَ أَقُومُ مِنْ مَجْلِسِي إِحْتِرَامًا لِشَأْنِهِ وَ مَقَامِهِ : زمانیکه پدرم وارد خانه میشود برای احترام به شأن و مقام او ، از جایم برمیخیزم .

لَمْ به معنی (چرا) می باشد و نباید آنرا با (لَمْ) اشتباه گرفت .

مثال: لَمْ ذَهَبْتُ إِلَى السُّوقِ : چرا به بازار رفتم؟

۴) هرگاه هنگام مجزوم کردن، برای ساکن کردن حرف آخر به یکی از حروف (و - ی) رسیدیم خود آن

حروف حذف می شوند : مثال : لَمْ + يَدْعُوْهُ لَمْ يَهْدِ لَمْ يَهْدِ

یادآوری :

● امر غایب و متکلم : (امر بلام یا مضارع مجزوم) :

از شش صیغه مضارع غایب و دو صیغه مضارع متکلم به طریق زیر درست می شود :

۱) امر لام مکسوری (لَمْ) که به آن لام امر می گویند به اول صیغه های مضارع می آوریم

✓ ُ لَمْ ُ (صیغه ۱ ، ۴ ، ۱۳ و ۱۴)

۲) آخرش را مجزوم می کنیم :

✓ ن لَمْ ن (صیغه ۲ ، ۳ ، ۵)

✓ ۶ لَمْ ۶ (جمع مونث) لَمْ بدون تغییر

۳) دقت کنید که صیغه ۶ بدون تغییر باقی می ماند.

مثال: لِيَذْهَبْ - لِيَذْهَبَا ... لِيَذْهَبْنَ... لِأَذْهَبْ - لِنَذْهَبْ

● دقت:

۱) لام امر فقط بر سر صیغه های متکلم و غایب می آید ، در سوالات اگر آن را با صیغه های

مخاطب بیاورند اشتباه است .



(۲) لام امر اگر بعد از (وَ - فَ - ثُمَّ) قرار بگیرد می توانیم آن را ساکن کنیم .

مثال: فَلْيَنْظُرْ (باید بنگرد) - وَلْيَقُولُوا (باید بگویند) - ثُمَّ لِيَذْهَبَنَّ (پس باید بروند)

(۳) در ترجمه امر غایب از کلمه (باید) استفاده می کنیم : مثال: لِيَذْهَبْ ⇐ باید برویم

(۴) برای منفی کردن فعل امر غایب از **فعل نهی** استفاده خواهیم کرد :

لِيَذْهَبْ (باید برود) ⇐ لَا يَذْهَبْ (نباید برود)

● فعل نهی (امر منفی) :

هرگاه بخواهیم انجام دادن کاری را از کسی بازداریم ، حرف (لای نهی) را بر سر فعل مضارع آورده و آخر آن را مجزوم می نماییم :

✓ ُ ⇐ ُ (صیغه های ۱، ۴، ۷، ۱۳ و ۱۴)

✓ ن ⇐ حذف (صیغه های ۲، ۳، ۵، ۸، ۹، ۱۰ و ۱۱)

✓ صیغه ۶ و ۱۲ (جمع مونث) ⇐ بدون تغییر

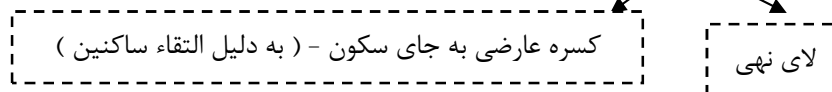
لا + تَذْهَبُونَ ⇐ لَا تَذْهَبُوا / لا + تَكْتُبِينَ ⇐ لَا تَكْتُبِي / لا + يَجْلِسْنَ ⇐ لَا يَجْلِسْنَ

● نکته :

(۱) این فعل بیشتر در افعال صیغه مخاطب کاربرد دارد .

(۲) کسره در آخر مضارع ، حکم سکون را دارد . (چون کسره از ویژگی های اسم است)

مثال: لَا تَنْصُرِ الْبَاطِلَ



(۳) در ترجمه ی فعل نهی در صیغه های غایب و متکلم از کلمه (نباید) استفاده می کنیم ولی در صیغه های مخاطب نیازی به استفاده از آن نیست همان امر منفی فارسی است.

لَا يَذْهَبُوا : نباید بروند (غایب) / لَا يَذْهَبْ : نباید برویم (متکلم) / لَا تَذْهَبُوا : نروید (مخاطب)



انواع لا:

- (لا) نفی : بر سر فعل مضارع قرار می گیرد و تغییری در آن ایجاد نمی کند. (لا + فعل مضارع مرفوع)

مثال : و الله يَعْلَمُ و انْتُمْ لَاتَعْلَمُونَ : و خدا می داند ولی شما نمی دانید .

- (لا) نهی : بر سر فعل مضارع قرار می گیرد و آن را مجزوم می کند. (لا + فعل مضارع مجزوم)

مثال : لَاتَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ و ادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ : از یک در وارد نشوید و از درهای مختلف وارد شوید .

- (لا) نفی جنس : بر سر اسم در اول جمله اسمیه قرار می گیرد. (لا + اسم نکره) (درس اول دوازدهم)

مثال : لَاتَلْمِيزُ فِي الصَّفِّ : هیچ دانش آموزی در کلاس نیست .

- (لا) حرف عطف : بین دو اسم تنوین دار و یا دو اسم ال دار قرار می گیرد. (اسم + لا + اسم)

مثال : قَرَأْتُ الْمَجْلَّةَ لَا الصَّحِيفَةَ : مجله را خواندم نه روزنامه را

- لا جواب به معنی (نه) : در پاسخ به سوال (هَلْ) و (أ) :

مثال : أَأَنْتَ مِنْ تَبْرِيزَ : لا ، أَنَا مِنْ تَهْرَانَ

 هشدار :

مواظب کلمه (آلا : آگاه باش) باشید که جزو هیچکدام از انواع لای ذکر شده نیست .

مثال : أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ



۲۰۲. « لَا يَحْزَنكَ قَوْلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا تَفْطِنُ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ »:

۱. سخنان آنانی که به خداوند و روز واپسین کافر شده اند، تو را اندوهگین نکند و از رحمت خدا ناامید نشو!
۲. نباید کلام کسی که به الله و روز قیامت کافر شده، تو را ناراحت کند و از رحمت خدا ناامید شوی!
۳. گفتار کسانی که به خدا و روز قیامت کافر می شوند، تو را ناراحت ننماید و نباید از رحمت خدا ناامید شوی!
۴. سخن کسانی که به خداوند و روز واپسین کافر شده اند، نباید تو را اندوهگین کند و از رحمت خداوند ناامید نشو!

۲۰۳. عَيْنُ الصَّحِيح:

۱. لِيَنْهَضَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ نَوْمِ الْغَفْلَةِ: مسلمانان از خواب غفلت بیدار می شوند،
۲. لِكَيْ يَتَقَدَّمُوا فِي الْمَجَالَاتِ الْمُخْتَلَفَةِ: که در زمینه های مختلفی پیشرفت کنند،
۳. وَ يَرْفَعُوا عِلْمَ الْإِسْلَامِ بِأَيْدِيهِمْ: و پرچم اسلام را با دستانشان بالا ببرند،
۴. وَ لَا يَكُونُوا مِنَ الْخَاسِرِينَ فِي الدُّنْيَا: و تا از زیان دیدگان در دنیا نشوند!

۲۰۴. عَيْنُ الصَّحِيح:

۱. « لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى »: نباید در حالی که مست هستید، نماز بخوانند!
۲. لَمْ يَمَنْ اللَّهَ عَلَى عِبَادِهِ أَبَدًا: خداوند هرگز بر بندگان منت نمی گذارد!
۳. لَمْ تَنْتَخِبُونَ طَرِيقًا يَجُرُّكُمْ إِلَى الضَّلَالَةِ: چرا راهی را انتخاب می کنید که شما را به گمراهی بکشاند؟
۴. تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ لِتَفْهَمَ الْقُرْآنَ تَمَامًا: برای فهمیدن کامل قرآن، عربی یاد بگیر!

۲۰۵. عَيْنُ الصَّحِيح:

۱. لَا تَخْرُجِينَ مِنَ الْبَيْتِ قَبْلَ أَنْ تَلْبَسِي مَلَابِسَ مُنَاسِبَةً: قبل از این که لباس های مناسبی بپوشی از خانه خارج نشو!
۲. لِيُسَافِرَ الْإِنْسَانُ وَ يَحْصُلَ عَلَى تَجَارِبٍ كَثِيرَةٍ: انسان باید مسافرت کند تا به تجربه های فراوانی دست یابد!
۳. لَمْ يَقْدِرْ أَحَدٌ أَنْ يَأْتِيَ بِمِثْلِ الْقُرْآنِ: کسی نتوانسته است که مانند قرآن را بیاورد!
۴. لَا يَعْقِبُ الْعَاقِلُ هَدَفًا يَقْتُلُ وَقْتَهُ: عاقل نباید هدفی را دنبال کند که وقتش را بکشد!

۲۰۶. عَيْنُ الْخَطَأ:

۱. « أَلَمْ يَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَرَى »: آیا نمی داند که خداوند می بیند؟
۲. لَا تَظْلَمُ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ: ستم نکن همان طور که دوست نداری به تو ستم شود!
۳. فَلْيَعْتَمِدِ الْإِنْسَانُ عَلَى قُدْرَاتِهِ فَقَطْ: انسان فقط باید بر توانایی هایش تکیه کند!
۴. مَنْ عَذَّبَ لِسَانَهُ كَثُرَ إِخْوَانُهُ: هرکس زبانش شیرین شود، دوستانش زیاد می شوند!

۲۰۷. عَيْنُ الْخَطَأ:



۱. هَؤُلَاءِ نِسَاءٌ لَا يَفْعَلْنَ مَا يَصْرُهُنَّ : این زنان نباید کاری را انجام دهند که به آن ها ضرر می رسانند.
 ۲. يُعْطَى هَذَا الْأُسْتَاذُ الدُّكْتُورَاهُ الْفَخْرِيَّةُ تَقْدِيرًا لِجُهِودِهِ : به این استاد به پاس تلاش هایش دکترای افتخاری داده می شود.
 ۳. لَنْ أَسْتَشِيرَ مَنْ يَحْسِبُ نَفْسَهُ عَاقِلًا : با کسی که خودش را عاقل می پندارد، هرگز مشورت نخواهم کرد!
 ۴. لِنُشَارِكَ فِي حَفْلَةِ تَكْرِيمِ الْمُعْلَمِينَ : باید در جشن بزرگداشت معلمان شرکت کنیم!
- ۲۰۸. «لَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يَذْكُرْ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ»:**

۱. از آن چه نام خداوند بر آن ذکر نشده است، نخورید! ۲. نمی خورید از آن چیزی که اسم خدا بر آن آورده نمی شود!
 ۳. نباید از چیزی بخورید که اسم خداوند بر آن آورده نشود! ۴. از آن چه نام الله را بر آن ذکر نکرده اند، نخورید!
- ۲۰۹. «لِأَتَكَلَّمُ مَعَ أَصْدِقَائِي لِيُسَاعِدُونِي فِي تَعَلُّمِ دُرُوسِي حَتَّى أُنْجَحَ فِي امْتِحَانَاتِ آخِرِ السَّنَةِ!»:**
۱. باید دوستانم در یادگیری درس ها به من کمک کنند تا در امتحانات پایان سال قبول شوم!
 ۲. باید با دوستان خود صحبت کنم تا به من در یادگیری درس هایم کمک کنند تا در امتحانات پایان سال موفق شوم!
 ۳. با دوستانم صحبت می کنم تا به من در یادگرفتن درس هایم کمک کنند تا در امتحانات پایان سال موفق شوم!
 ۴. برای این که با دوستانم صحبت کنم باید به آن ها در یادگیری درس ها کمک کنم تا در آزمون های انتهای سال موفق شوند!
- ۲۱۰. «أَوْ لَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ»:**

۱. آیا نمی دانند که خداوند روزی را برای کسی که می خواهد، فراوان می کند؟
 ۲. آیا ندانسته اند که خدا روزی را برای هرکس که بخواهد، می گستراند؟
 ۳. آیا ندانستند که خداوند روزی را به هرکسی که خواست، گسترانیده است؟
 ۴. آیا ندانسته اید که خداوند روزی را می گستراند برای کسی که بخواهد؟
- ۲۱۱. «قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا»:** «بادیه نشینان گفتند:.....»

۱. ایمان آوردیم بگو ایمان نیاورده اید، بلکه بگویید: اسلام آورده ایم!
۲. ایمان آوردیم بگو: ایمان نیاورید، بلکه بگویید: اسلام بیاورید!
۳. ایمان می آوریم بگو ایمان نمی آورید، بلکه بگویید: اسلام می آوریم!
۴. ایمان می آوریم بگو: شما ایمان نیاورده اید، ولی الان می گوید : اسلام آورده ایم!

۲۱۲. عَيْنُ الْخَطَا:

۱. أَنَا لَمْ أَسَافِرْ فِي السَّنَتَيْنِ الْمَاضِيَتَيْنِ: من در دو سال گذشته مسافرت نکرده ام!
۲. هُوَ لَنْ يَرْجِعَ إِلَى الْمَلْعَبِ غَدًا: او فردا به ورزشگاه برخواهد گشت!
۳. مَنْ يَجْتَهِدُ يَنْجَحْ فِي أَعْمَالِهِ: هرکس تلاش کند باید در زندگی اش موفق شود!



۴. حاول لکی لا تياس فی حیاتک: تلاش کن تا در زندگی ات مأیوس نشوی!

۲۱۳. عین الخطأ:

۱. « لم یلد و لم یولد * و لم یکن له کُفُواً أَحَدٌ »: نزاده و زاده نشده است و کسی برای او همتا نبوده است!
۲. « علی الله فلیتوکل المؤمنون »: پس مؤمنان فقط باید بر خدا توکل کنند!
۳. « فلیعبدوا ربّ هذا البیت »: پس پروردگار این خانه را باید عبادت کنید!
۴. « الذی أطعمهم من جوع و آمنهم من خوف »: کسی که در گرسنگی به آنها خوراک داد و آن ها را از ترس ایمنی بخشید!

۲۱۴. عین الخطأ فی التعریب:

۱. هرگز به خوبی دست نخواهیم یافت: لَنْ نَنَالَ الْبِرَّ أَبَداً،
۲. تا از آن چه دوست داریم، انفاق کنیم: حَتَّى نُنْفِقَ مِمَّا نُحِبُّ،
۳. و از بازدارندگان از بدی باشیم: وَ نَكُونَ مِنَ النَّاهِينَ عَنِ الْمُنْكَرِ،
۴. و از دوستی با دلسوز نادان دوری نماییم: وَ لَنَجْتَنِبَ مُصَادَقَةَ مُشْفِقٍ جَاهِلٍ!
۲۱۵. «در کارها باید به خداوند توکل کنیم تا به بهترین شکل به پایان برسد»:
۱. لِنَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ فِي أَعْمَالِنَا حَتَّى تَصَلَ إِلَى غَايَتِهَا بِشَكْلِ أَحْسَنَ!
۲. لِنَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ فِي الْأَعْمَالِ حَتَّى تَصَلَ إِلَى نَهَايَتِهَا بِأَحْسَنِ شَكْلٍ!
۳. علینا أَنْ نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ فِي الْأَعْمَالِ حَتَّى وَصَلَ إِلَى آخِرِهِ بِأَحْسَنِ شَكْلٍ!
۴. يجب علینا أَنْ نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ فِي الْأَعْمَالِ لِكَيْ يَصَلَ إِلَى نَهَايَتِهِ بِأَفْضَلِ الْأَشْكَالِ!
۲۱۶. « ما برای رسیدن به اهداف خود باید تلاش دانشمندان بزرگ را مورد توجه قرار دهیم! » عین الخطأ:

۱. للحصول على أهدافنا علينا أن نهتمّ بجهد العلماء الكبار!
۲. لنجعل جهد العلماء الكبار نصب أعیننا للوصول إلى أهدافنا!
۳. يلزم علينا بالاهتمام بأهدافنا للوصول إلى اجتهاد العلماء العظام!
۴. للتوصل إلى أهدافنا يجب علينا أن نجعل اجتهاد العلماء العظام نصب أعیننا!
۲۱۷. « این دختران اگر تلاش نکنند، در انجام وظایف خود به موفقیت دست نخواهند یافت!

۱. إن لم تجتهد هؤلاء البنات، لن ينجحن في أداء واجباتهن!
۲. إن لم يجتهدون هؤلاء البنات، لم يقرن في القيام بالواجبات!
۳. إذا لا تجتهد تلك البنات لم تحصل على النجاح في الأداء بالواجبات!
۴. إذا لم تجتهدی هذه البنات، لم تصلن إلى التوفيق في القيام بواجباتهن!



٢١٨. عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي الْأَمْرِ عَنِ الْأَفْعَالِ التَّالِيَةِ: « تَرْجِعَنَّ - يَرْجِعَنَّ - تَرْجِعِينَ »:

١. لَتَرْجِعَنَّ - اِرْجِعَنَّ - اِرْجِعِي ٢. اِرْجِعْ - لِيَرْجِعْ - اِرْجِعِي ٣. اِرْجِعَنَّ - اِرْجِعَنَّ - لَتَرْجِعِي ٤. اِرْجِعَنَّ - لِيَرْجِعَنَّ - اِرْجِعِي

٢١٩. عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي النَّهْيِ عَنِ الْأَفْعَالِ التَّالِيَةِ: « غَسَلْتُ - غَضِبْتُ - حَدَّثْنَا »:

١. لَا أَغْسِلْ - لَا تَغْضَبِي - لَا يُحَدِّثْنَا ٢. مَا غَسَلْتُ - مَا غَضِبْتُ - مَا حَدَّثْنَا

٣. لَا أَغْسِلْ - لَا تَغْضِبِينَ - لَا تُحَدِّثْنَا ٤. لَا أَغْسِلُ - لَا تَغْضَبْ - لَا نُحَدِّثْ

٢٢٠. عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ: « لِيَعْبُدَ الْإِنْسَانُ خَالِقًا لَا كُفُوَ لَهُ وَ لَا يُشْرِكْ بِعِبَادَتِهِ حَتَّى يَفُوزَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ! »:

١. لِيَعْبُدْ - لَا يُشْرِكْ - حَتَّى يَفُوزَ ٢. لِيَعْبُدْ - لَا يُشْرِكْ - حَتَّى يَفُوزَ

٣. لِيَعْبُدْ - لَا يُشْرِكْ - حَتَّى يَفُوزَ ٤. لِيَعْبُدْ - لَا يُشْرِكْ - حَتَّى يَفُوزَ

٢٢١. عَيْنُ مَا لَيْسَ فِيهِ الْمُضَارِعُ الْمَجْزُومُ:

١. لِيَفْهَمَ الطُّلَّابُ هَذَا الدَّرْسَ يَحْتَاجُونَ إِلَى زَمَنِ أَكْثَرٍ! ٢. لِيَنْظُرَ الْمُؤْمِنُونَ إِلَى الْعَالَمِ كُلِّهِ بِنَظَرٍ الِاعْتِبَارِ!

٣. لَمْ يَسْتَخْرِجِ الْغَوَاصُونَ مِنَ الْبَحْرِ دُرًّا أَمْسَ! ٤. لَا تُحَدِّثِ النَّاسَ بِكُلِّ مَا سَمِعْتَ بِهِ!

٢٢٢. عَيْنُ « لَ » لَا يُمْكِنُ أَنْ تَكُونَ جَازِمَةً:

١. لِنُتَوَاجَهَ النِّسَاءَ صُعُوبَاتِ الدَّهْرِ صَابِرَاتٍ! ٢. إِنَّ الْفُرْصَةَ هَرُّ مَرِّ السَّحَابِ فَلَنَنْتَعِمَنَّهَا!

٣. لِيَحْفَظَ التَّلَامِيذُ ثَلَاثَةَ أَشْعَارٍ لِلْجُلُوسَةِ الْقَادِمَةِ! ٤. لِنَجِدَ صَدِيقًا مُخْلِصًا عَلَيْكَ أَنْ تَقْبَلَ عَلَى الْكِتَابِ!

٢٢٣. عَيْنُ الْخِطَاءِ عَنِ نَوْعِ « اللَّامِ »:

١. السَّنَجَابُ الطَّائِرُ لَهُ غِشَاءٌ خَاصٌّ كَالْمِظَلَّةِ: الْجَارَةُ ٢. لِنَتَالُوا الْبِرَّ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْفَقُوا مِمَّا تَحِبُّونَ: الْجَازِمَةُ

٣. إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ: النَّاصِبَةُ ٤. لِنَجْعَلَ جُهْدَ الثَّمَلَةِ نَصَبَ أَعْيُنِنَا جَمِيعًا: الْجَازِمَةُ

٢٢٤. « قُلْتُ لَهَا بِصَوْتٍ عَالٍ: لِيَتَصَدَّقْ فِي حَيَاتِكَ دَائِمًا لِتَبْتَعدَ عَنِ الرِّذَالِ! ». عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي نَوْعِ الْكَلِمَاتِ الثَّلَاثِ:

١. نَاصِبَةٌ - نَاصِبَةٌ - جَازِمَةٌ ٢. حَرْفُ جَرٍّ - جَازِمَةٌ - نَاصِبَةٌ ٣. جَازِمَةٌ - جَازِمَةٌ - لَامٌ أَمْرٌ ٤. جَارَةٌ - جَارَةٌ - نَاصِبَةٌ

٢٢٥. عَيْنُ « لَا » النَّاهِيَةِ:

١. الَّذِي لَا يَرْحَمُ النَّاسَ لَا يَرْحَمُهُ اللَّهُ فَارْحَمُوا حَتَّى تَرْحَمُوا! ٢. الْقَوَائِنُ الْإِسْلَامِيَّةُ لَا تَمْنَعُنَا عَنِ التَّقَدُّمِ فِي الْمَجَالَاتِ الْاجْتِمَاعِيَّةِ!

٣. لَا يَتَكَلَّمُ الْإِنْسَانُ قَبْلَ أَنْ يَتَأَمَّلَ فِيمَا يُرِيدُ أَنْ يَقُولَهُ! ٤. لَا أَنْسَى ذِكْرِيَّاتِ حَفْلَةِ زَوَاجِ صَدِيقِي الَّتِي انْعَقَدَتْ قَبْلَ شَهْرٍ!

٢٢٦. « لَا يَطْلُبُ الْوَالِدَانِ لِأَوْلَادِهِمَا إِلَّا الْخَيْرَ فَلَا يَسْمَحَا أَنْ يُصَادَقُوا أَيْ شَخْصًا! ». عَيْنُ نَوْعِ « لَا » فِي الْفَعْلَيْنِ:

١. النَّافِيَةُ - الْجَازِمَةُ ٢. النَّاهِيَةُ - النَّاهِيَةُ ٣. النَّافِيَةُ - النَّافِيَةُ ٤. الْجَازِمَةُ - النَّافِيَةُ

٢٢٧. « وَ لَا تَيَاسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَبْأَسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ » عَيْنُ الصَّحِيحِ:

١. لَا تَيَاسُوا: فَعْلٌ نَهْيٌ، لِلْمُخَاطَبِينَ ، لَازِمٌ ، مُزِيدٌ ثَلَاثِي / فَعْلٌ وَ فَاعِلُهُ ضَمِيرُ الْوَاوِ الْبَارِزِ

٢. لا يَبْأَسُ : مضارع مجزوم - للغائب - لازم / فعل و مع فاعله ، جملة فعلية

٣. الله (الثانى) : اسم الجلالة - مفرد - مذكر - نكرة / مضاف إليه

٤. الكافرونَ : جمع سالم للمذكر - اسم فاعل - معرفة / صفة

٢٢٨. عَيْنَ مضارعاً لا يُترجم مضارعاً:

١. لِيَعْلَمَ الإنسانُ أَنَّ كُلَّ نفس ذائِقَةُ الموتِ!

٢. حاولت كثيراً لِأَسْتَطِيعَ أَنْ أَنْجَحَ فى الامتحان!

٣. « قُلْ لم تُونُونَا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا »

٤. المسلمون لِيَسْتَطِيعُوا أَنْ يَواجهوا المشاكل!

٢٢٩. عين الفعل ماضياً فى المعنى:

١. مَنْ حَفَرَ بَرّاً لِأَخِيهِ وَقَعَ فِيهَا!

٢. الطُّلَابُ لم يَحْضُرُوا فى الصُّفوفِ بسبب برودة الجو!

٣. الْمُؤْمِنُونَ لا يُشْرِكُوا أحداً بِعبادة رَبِّهِمْ!

٤. اعْتَمَدُوا على الله فى جميع أحوالِكُمْ!

٢٣٠. عَيْنَ العبارة التى يمكن أَنْ تكون مضارعاً مرفوعاً أو مجزوماً:

١. ما تَخْرُجُ النَّمْلَةُ إلى سطح الأرض تَنْشُرُهَا تَحْتَ ضَوْءِ الشَّمْسِ !

٢. الْمُمَرِّضَاتُ لا يُهْمِلْنَ فى أداء وظائفهنَّ!

٣. لِأَسَاعِدَ المحرومينَ فى بلادى، سافرتُ إلى هذه المناطق!

٤. طَلَبْتُ هذه الأمَّ من ولديها أَنْ يُسَاعِدَها فى أعمال البيت!

٢٣١. عَيْنَ حروفاً كلّها تقدر على حذف النون:

١. لَ - لا - إن - مِن ٢. حَتَّى - ما - لَمْ - لَ ٣. عَن - لَمْ - أُن - لا ٤. لَ - مَن - كى - إذا

٢٣٢. « لما دخلنا الصفّ قلت لصديقتى لنجلس فى الأمام لنسمع كلام الأستاذة جيّداً! ». عَيْنَ الصّحيح فى نوع اللّامات الثلاث:

١. جَارَةٌ / جازمة / ناصبة ٢. ناصبة / جازمة / حرف الجرّ ٣. جَارَةٌ / ناصبة / لام الأمر ٤. حرف الجرّ / لام الأمر / جازمة

٢٣٣. عَيْنَ الأفعال مجزومة كلّها:

١. عندما أنزل القرآن لم يقدر أحد على أن يأتى بمثله حتّى الآن!

٢. من لم يُقَصِّر فى أداء واجباته اليوم يصل إلى أهدافه غداً!

٣. ليستيقظ كلّ المسلمين من نوم الغفلة حتّى يأخذوا حقّهم من الظالمين!

٤. ينادينى صديقى أن أشاهده ولكننى لم أفهم ماكان قصده من هذا النداء!

٢٣٤. عَيْنَ المضارع المنصوب:

١. هذا الدرس صعب، ليساعدك أخوك!

٢. أمرت الأمّ بناتها أن لا يكسلن فى أعمالهنَّ!

٣. فى السّماوات و الأرض عجائب كثيرة لِيَتَنَبَّهَ الإنسان!

٤. إن تعرّفوا حلاوة عاقبة الحقّ تصبروا على مرارته!

